

نظری به اخلاق و آداب و رسوم ایرانیان عصر هخامنشی

غلامعلی امیربهرامی

پیشینه « بهار ۱۳۸۱ - شماره ۲

آنچه درباره اخلاق و صفات و آداب و رسوم ایرانیان عصر هخامنشی در دست است بیشتر از منابع غربی است. تاریخ‌نگاران رومی و یونانی با آنکه چندان علاقه‌ای به ایران و ایرانی نداشته‌اند و از آنها تحت عنوان بربر یاد می‌کردند با این حال نمی‌توانستند منکر سجایای اخلاقی و صفات پسندیده ایرانیان باشند. همه‌جا از گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک سخن رفته است. همه از بیگانگی ایرانیان از دروغ یا دروغ صحبت می‌شود.

نگارنده قصد دارد تا در این مختصر با بهره‌گیری از منابع مختلف، شمه‌ای از خصال نیکو و آداب و رسوم نیکان سرفراز خود را ذکر نماید.

ایرانیان به اطفال خود از سن ۵ تا ۲۰ سالگی سه چیز می‌آموختند. سوارکاری، تیراندازی و راست‌گویی. دروغ‌گویی را بدین ترتیب عیب می‌دانستند. دروغگو به دوزخ می‌رود. پس از آن قرض‌داری را زشت‌ترین معایب می‌دانستند. زیرا معتقد بودند که فرد مقروض مجبور است همواره دروغ بگوید. مغان و آموزگاران به کودکان می‌آموختند که دروغ نگویند، وام نستانند، بدکاری و ستمگری روا مدارند. میهن و پادشاه خود را دوست بدانند، وفادار و مردم دوست باشند، می‌خواره و شکمباره و گدامنش و زنده و چرکین بار نیایند. به آنان یاد می‌دادند که در معاشر آب دهن نیفکنند، در آبها و رودها قضای حاجت ننمایند و در معاشر چیزی نخورند. به اندازه بخورند و بنوشند، احترام پدر و مادر را نگاه دارند. بنا به گفته هروودوت هیچ پارسی تا به حال پدر و مادر خود را نکشته است و اگر چنین حادثه‌ای روی داده باشد حتماً آن فرزند از تخمه آن پدر نبوده است. آنها باید پدر و مادر و پیران خاندان را احترام کنند. ۱)

جوان پارسی چون بدینسان پرورش می‌یافت در ۲۰ سالگی وارد دسته سپاهان می‌شد. پارسیان روز تولدشان را بیش از هر روز دیگر محترم می‌داشتند. در این روز بیشتر از سایر روزها غذا می‌پختند. گویا آنها پیش از آنکه دست به جهانگیری بزنند قانونی داشتند که به موجب آن، آنان را موظف می‌کرد که بیش از یک وعده کامل در شبانه‌روز نخورند.

معمولاً عادت نداشتند دیگ غذا را شب هنگام بر سر سفره بیاورند تا مبادا زیاد بخورند. چه عقیده داشتند که زیاد خوردن تن آدمیان را گزند می‌رساند. ۲)

سفره چیدن و غذا خوردن آدابی داشت. غذای اصلی کم و غذاهای فرعی و مخلفات زیاد بود. به عبارتی غذایی که امروز دسر می‌گویند در میان پارسیان طرفداران زیادی داشت. نوشیدنی سر سفره آب بود و هیچگاه از مسکرات در سر سفره استفاده نمی‌کردند. زیرا احترام خاصی برای سفره قائل بودند. غذای روزانه جوانان نان و نان شیرینی همراه با آب و نمک بود. غذای اصلی مردم نان بود که معمولاً به دست زنان تهیه می‌شد. گوشت گوسفند، گاو، بز، و مرغ هم از

غذاهای عادی ایرانیان بود و در مواقع ضروری گوشت شتر، اسب و خر نیز مصرف می‌شد. که بیشتر به صورت کباب صرف می‌شد. گاهی گوشت را به صورت کیک در می‌آوردند که بیشتر در موقع مسافرت مصرف می‌شد. ۳.

سفره‌های بزرگان به خوراکی‌های رنگین چون گوشت گوزن و گراز، کبک و غاز و ماهیهای گوناگون آراسته بود. پارسیان علاقه شدیدی به گیاه‌خواری داشتند. دل‌بستگی آنان به پسته چندان بود که خارجیان به تمسخر آنها را پسته‌خوار می‌نامیدند. ۴.

بزرگترین سرگرمی پارسیان شکار، تمرینهای جنگی، بازی، رقص و پایکوبی و آوازخوانی، نوازندگی، و مسابقات پهلوانی بود. شکار به قدری در میان پارسیان دارای اهمیت بود که دولت هخامنشی به شکارگران حرفه‌ای مواجب می‌پرداخت. ۵.

جنبه‌های خیرخواهانه و مردمی و بردبارانه و پرشکب ملتی که از اخلاقی‌ترین ملل عالم است و تمام مظاهر حیاتی او مملو از مهر و لطف به آفرینش و آفریننده آن است به نوعی با تار و پود هستی پیوند یافته که با هر ذره از عناصر کائنات سازگاری نشان می‌دهد و با هر زیر و بمی هماهنگ می‌شود. خشونت‌ها و وحشی‌گریهای بعضی از اقوام بدوی که در روبه‌رویی با مردم بیگانه زبانها بریده‌اند، چشمها کنده‌اند و کله منارها ساخته‌اند، در پارسیان عصر هخامنشی وجود ندارد. و اگر در تاریخ ۲۲۰ ساله هخامنشیان به خشونت و بی‌رحمی‌هایی بر می‌خوریم آن به خاطر حفظ منافع دولت و مردم بوده است. ۶.

پی‌نوشتها:

(۱)- هرودوت، تاریخ هرودوت، ترجمه دکتر هادی هدایتی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، ج ۱، بند ۱۲۶.

(۲)- همان، بند ۱۲۷.

(۳)- علی‌رضا، کوروش بزرگ، انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز، ۲۵۳۵، ص ۴۸.

(۴)- همان، ص ۵۱.

(۵)- همان، ص ۵۲.

(۶)- شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات قومس، ۱۳۶۹، ص ۲۰۷.

منابع:

۱. شاپور شهبازی، علی‌رضا، کوروش بزرگ، انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۳۵۵.

۲. شعبانی، رضا، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات قومس، ۱۳۶۹.

۳. هرودوت، تاریخ هرودوت، ج ۱، ترجمه دکتر هادی هدایتی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.